



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

مجموعه مباحث دفاع از پیامبر اعظم ﷺ

# جهاد برده‌دای

علی‌اصغر رضوانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه ناشر
۷	پیشگفتار
۷	مفهوم جهاد ابتدایی
۸	سازگاری جهاد با رأفت اسلامی
۹	جهاد و آزادی انتخاب عقیده
۱۱	مبنای جهاد
۱۲	تحلیلی از آیات جهاد
۱۳	مطلق و مقید در آیات جهاد
۱۵	بررسی نظریه نسخ در آیات جهاد
۱۷	فرق بین اسلام و مسیحیت
۱۸	فلسفه جزیه
۱۹	جزیه و خشونت!!
۲۰	نحوه گرفتن جزیه
۲۱	اسلام و بردگی
۲۹	فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران
۳۳	پی نوشتها
۳۶	درباره مرکز

## مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۳- عنوان و نام پدیدآور: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داری مولف علی اصغر رضوانی مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۴۱ ص. فروست: سلسله مباحث دفاع از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شبک: ۲۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۴۸۴-۲۹-۹: وضعیت فهرست نویسی: فاپا یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Aliasghar Rezvani. jihad Slavery. یادداشت: عنوان روی جلد: جهاد و برده برداری. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان روی جلد: جهاد و برده داری. موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- نظریه درباره جهاد. موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- نظریه درباره بردگی موضوع: اسلام و بردگی موضوع: جهاد -- احادیث شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم رده بندی کنگره: BP۲۴/۹/ج ۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۱۴۵۵

## مقدمه ناشر

در عصر کنونی که پیروان ادیان و فرق، در راستای اهداف خود دست به تبلیغ گسترده ای زده و با تمام امکانات دنبال اهداف باطل خود می باشند، بر پیروان راستین و حقیقی دین اسلام و مذهب حقه جعفری است که در این شلوغ بازار جهانی، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را بر مردم جهان عرضه نمایند.

لذا بر آن شدیم تا سلسله مباحث دفاع از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به صورت مختصر خدمت مشتاقان حق و حقیقت عرضه نماییم، باشد که مورد رضای حضرت حق جل و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات

## پیشگفتار

یکی از موضوعاتی که در اسلام از مسائل اساسی است و از ناحیه مخالفان و دشمنان اسلام مورد هجوم و مخالفت قرار گرفته، موضوع جهاد است. آنان جهاد را از مصادیق خشونت در دین اسلام دانسته و بدین جهت مسلمانان را خشونت طلب و تروریسم معرفی کرده اند. لذا جا دارد این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم.

## مفهوم جهاد ابتدایی

مقصود از جهاد ابتدایی که با شرایط خاص از جمله حضور امام معصوم مشروعیت پیدا می کند - بر خلاف ظاهر عبارت - جنگی نیست که مسلمانان آغاز کننده آن باشند، بلکه منظور جنگی است که به دلایلی، غیر از تهاجم فیزیکی دشمن تحقق می یابد. این جنگ که در برابر دشمن خارجی انجام می گیرد، خود به دو شاخه تقسیم می شود:

۱ - جهاد «آزادی بخش» با استضعاف گران و به منظور حمایت از مستضعفان و ملت های تحت ستم و استبداد.

۲ - جهاد «دعوت» با مشرکان و کافران به جهت فراهم ساختن زمینه های بسط توحید و رفع موانع از سر راه آن و نیز تأمین امنیت مسلمانان؛ زیرا شرک و بی دینی با فطرت اصیل و عقل تمام عقلای عالم ناسازگاری دارد. این نوع جهاد ابتدایی شامل بت پرستان و برخی از اهل کتاب نیز می شود.

در مورد اول خداوند سبحان می فرماید: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَخْصِرُواهُمْ وَأَقْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَبَأْثَبُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (۱) «اما وقتی ماه های حرام پایان گرفت مشرکان را هر جا که یافتید به قتل برسانید، و آن ها را اسیر سازید و محاصره کنید و در کمین گاه بر سر راه آنان بنشینید. پس هر گاه توبه کنند و

نماز را بر پا دارند و زکات را پردازند آن‌ها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»

و در مورد دوم، خداوند متعال می‌فرماید: « قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ »؛ (۲) «با کسانی از اهل کتاب که نه به خداوند و نه روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده اند، حرام می‌شمرند و نه آیین حق را می‌پذیرند، بیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود پردازند.»

جهاد ابتدایی تهاجم و تحمیل عقیده نیست. آنچه مذموم است تجاوز است، ولی هر جنگی از طرف هر کسی تجاوز نیست. جهاد ابتدایی دعوت برای آزادسازی اندیشه و تفکر و در جهت انتخاب عقیده حق می‌باشد نه تحمیل عقیده. این واقعیت را در تمام جنگ‌های صدر اسلام که به پیروزی مسلمانان انجامید می‌توان یافت. در هیچ جنگی دیده نشده که مسلمانان غالب، مردم را به پذیرش اسلام مجبور کنند، بلکه مردم را از چنگال طاغوت‌ها آزاد کرده اند تا خود آزادانه فکر کرده و تصمیم بگیرند. و مردم نیز وقتی حقیقت پیام اسلام را دریافتند، خودشان اسلام را انتخاب کردند.

### سازگاری جهاد با رأفت اسلامی

برخی می‌گویند: جهاد ابتدایی و دفاعی با رأفت اسلامی سازگاری ندارد، ولی با توجه به اهداف جهاد اسلامی مشاهده می‌کنیم که هیچ‌یک از اهداف غیر انسانی که موجب پیدایش جنگ‌های خانمان سوز فراوانی در طول تاریخ شده است؛ از قبیل منافع مادی و اقتصادی، حبّ جاه و برتری طلبی، کشورگشایی و قهرمان خواهی و دعوای شخصی و



غیره، در اهداف جنگ و جهاد اسلامی دیده نمی شود، بلکه اهداف عالی و انسانی مورد نظر است که طبعاً جنگ را از ناحیه دولت اسلامی از غارت و وحشی گری و خانمان سوزی و در یک کلام هلاکت نسل و خشونت دور می سازد. و از این جهت جایی برای انتقاد باقی نمی گذارد. مضافاً بر این که از شرایط اولیه لزوم و جواز جهاد ابتدایی و دفاعی این است که ابتدا کفار و متجاوزان و ظالمان را به اسلام و دستورات دین دعوت کنند و در واقع اتمام حجت نمایند. و در صورتی که اتمام حجت شد و باز هم عناد ورزیدند و دعوت را نپذیرفتند، نوبت به قتال و مبارزه می رسد؛ زیرا اسلام دین رأفت و مهربانی است و اگر کسی از این رأفت سوء استفاده کرد، راه برخورد انتخاب می شود.

## جهاد و آزادی انتخاب عقیده

گاهی اشکال می شود که اگر نظر اسلام بر آزادی انتخاب عقیده است پس جهاد چه معنایی دارد؟ جهادی که نتیجه آن به زور وارد کردن مردم به اسلام و اعتقاد به عقیده است. و به همین جهت است که برخی آیه: « لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ » را منسوخ به آیات جهاد می دانند.

ولی حق مطلب آن است که جهاد به جهت دفاع از انسان و آزادی عقیده تشریح شده است، و گرنه هرگز جنگ و جهاد مطلوب ذاتی و ارزش اصلی ندارد، مگر آن که در راه خدا باشد؛ جهادی که زمینه ساز تکامل و سعادت است. فلسفه جهاد، رسیدن به خدا و تصحیح عقیده است. و لذا در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده که فرمود: «... لولا ذكر الله لم يؤمر بالقتال»؛ (۳) «اگر یاد خدا نبود هرگز امر

به جهاد نمی شد.»

معلوم است که منظور از «ذکر خدا» تنها لقلقه زبان نیست، بلکه مقصود اعتقاد قلبی و رسیدن به فلسفه جنگ و ایمان به مبدأ و معاد است.

لذا خداوند متعال می فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ...»؛ (۴) «و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید...».

در این آیه و آیات بسیار دیگر، امر به قتال در راه خدا و دین می کند. و لذا در آیه ای دیگر چنین می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغُلُوبَ أَصَابَتْهُمُ الرِّجَالُ وَكَانَتْ فِيهِمُ الْخِزْيَانَةُ»؛ (۵) «همان کسانی که هر گاه در روی زمین به آن ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداوند است.»

فلسفه جهاد رفع ظلم و باز کردن راه و زمینه برای انسان هاست تا آزادانه بیندیشند. جهاد در حقیقت دفاع از انسان و آزادی عقیده است. دفاع از دینی که فطرت بشری آن را می خواهد. جهاد متکفل تحقق سعادت حقیقی برای هر بشری است. حکومت اسلام مانع وجود ادیان دیگر در بلاد خود نیست؛ بلکه از آن ها ضمن عقود و معاهداتی دفاع می کند.

علامه طباطبایی رحمه الله می فرماید: «خداوند در آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» جهاد را فرض و واجب کرده است، ولی در این آیه و آیات دیگر آن را مقید به «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» کرده است تا در ذهن انسان و خیال او خطور نکند که این وظیفه دینی مهم تنها به جهت ایجاد سلطه دنیوی خشک و توسعه مملکت صوری است، آن گونه که امروزه می گویند... بلکه جهاد

به جهت توسعه سلطه دینی است که صلاح مردم در آخرت و دنیا در آن است». (۶)

شهید صدر رحمه الله می فرماید: «داعیان اسلامی قبل از هر اقدامی، رسالت اسلامی خود را معرفی می کنند، و تعلیمات آن را با حجج و براهین تقویت می نمایند. و در صورتی که حجت بر دشمنان تمام شد، دیگر جای مناقشه ای باقی نمی ماند ولی در عین حال مشاهده کردند که عده ای درصدد مقابله با نور هستند... در این صورت است که راهی در مقابل خود جز جهاد مسلحانه نمی بینند». (۷)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بعثنی رسول الله الی الیمن و قال لی: یا علی! لاتقاتلن احداً حتی تدعوه، و أیّم الله لاین یهدی الله علی یدیک رجلاً- خیر لک ممّا طلعت علیه الشمس و غربت...»؛ (۸) «رسول خداصلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستاد و به من فرمود: ای علی! هرگز با کسی جنگ نکن مگر آن که او را به اسلام دعوت کنی. به خدا سوگند که اگر یک نفر به دست تو هدایت یابد برای تو از آنچه خورشید بر آن طلوع کرده و غروب کند بهتر است...».

اسلام دین ظرفیت دادن و تربیت است. و به همین جهت است که رسول خداصلی الله علیه و آله قبل از هر اقدامی، افرادی را به مناطق مختلف می فرستاد تا ابتدا مردم را به دین فطرت دعوت کنند. عبدالله بن حذافه سهمی را به ایران، و حاطب بن ابی بلتعه را به مصر، عمرو بن عاص را به عمان، حذیفه بن یمان را به هند، و... فرستاد تا مردم را به اسلام که دین فطرت است دعوت نمایند.

## مبنای جهاد

مسأله جنگ و جهاد

به جهت پیشبرد اهداف اسلام و دین و برداشتن موانعی که بر سر راه آن پدیدار می شود از مسایلی است که مبنایی اساسی دارد و آن این که ما قایل به وحدت حق و حقیقت باشیم یا تعدد آن. و به تعبیری دیگر: ما پلورالیستی فکر کنیم یا وحدتی باشیم. اگر ما معتقدیم که حق یک محور دارد و ممکن الوصول نیز هست و دو طرف دعوا نمی توانند بر حق باشند - که این عقیده را قبلاً به اثبات رساندیم -، در نتیجه اولیای الهی و در رأس آن ها انبیا باید مردم را به سوی حق از هر راه ممکن دعوت کنند و هرگونه موانعی را که در پیشرفت آن پدید آمده نیز برطرف سازند.

## تحلیلی از آیات جهاد

برخی مخالف نظریه پلورالیسم رفتاری بوده و آن را با آیات جهاد مخالف می دانند؛ خصوصاً آیاتی که درباره قتال و جهاد با اهل کتاب است.

خداوند متعال می فرماید: « قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ »؛ (۹) «با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می شمرند، و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود پردازند.»

این آیه مربوط به اهل کتاب است و دو نوع تفسیر درباره آن شده است:

۱ - مقصود این است که هر کس اهل کتاب است، مثلاً یهودی یا مسیحی است، او به خدا و پیامبر و حلال

و حرام و دین حق ایمان ندارد، گرچه مدعی آن باشد؛ زیرا آنان از آن جهت که درباره مسیح مثلاً معتقد به الوهیت او بوده یا قائل به تثلیثند، لذا به خدا ایمان واقعی ندارند. و یا یهود که عزیر را پسر خدا می دانند ایمان حقیقی ندارند، و در نتیجه قرآن ایمان غیر مسلمانان به خدا و معاد را به رسمیت نمی شناسد و لذا جنگ و قتال با آنان را مطرح می کند.

۲- برخی دیگر از مفسرین می گویند: مقصود از آیه فوق این است که مسلمانان با اهل کتابی بجنگند که اسمشان اهل کتاب است ولی ایمان به خدا و قیامت نداشته و هیچ حرمتی برای خداوند و شریعت او حتی آنچه در دین خودشان آمده قائل نیستند.

### مطلق و مقید در آیات جهاد

در قرآن کریم آیات متعددی درباره جهاد به صورت مطلق و به تعبیر دیگر ابتدایی وارد شده است، که از آن جمله آیاتی است که قبلاً به آن اشاره شد. و نیز آیات دیگری به این مضمون وارد شده است؛ از قبیل:

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ »؛ (۱۰) «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن ها سخت بگیر.»

« وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ »؛ (۱۱) «و با آن ها پیکار کنید، تا فتنه [شرك و سلب آزادی برچیده شود و تمام دین از آن خداست.»

« وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ »؛ (۱۲) «چرا در راه خدا، و [در راه مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟!»

ولی در مقابل، آیات فراوانی وجود دارد که آیات مطلق را تقیید می کند

و مختص به مواردی می کند که به یک معنای جامع جنبه دفاعی دارد. این نتیجه و جمع را به کمک آیاتی می توان به دست آورد.

الف) آیات جنگ دفاعی برخی آیات اجازه جنگ را به جهت دفاع از خود داده است؛ از قبیل:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ \* الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ»؛ (۱۳)

«به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا بر یاری آن ها تواناست. همان ها که از خانه و شهر خود به ناحق رانده شدند، جز این که می گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست.»

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ (۱۴) «و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید، و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد.»

«وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً»؛ (۱۵) «و با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آن ها دسته جمعی با شما پیکار می کنند.»

ب) آیات صلح و سازش آیاتی نیز وجود دارد که دلالت بر دعوت به مصالحه و سازش با کفار دارد؛ از قبیل:

«وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»؛ (۱۶) «و آشتی بهتر است.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً»؛ (۱۷) «ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی در آید.»

«فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلْكُمْ وَأَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»؛ (۱۸) «پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار ننمودند [بلکه پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرض آن ها شوید.»

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ (۱۹) «و اگر تمایل به صلح نشان دادند، تو نیز در صلح درآی، و بر خدا توکل کن.»

ج) آیات نفی اکراه از دین « لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ (۲۰) «در قبول دین اکراهی نیست [زیرا] راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.»

« وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ (۲۱) «بگو: این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد و هر کس می خواهد کافر شود.»

« وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَمَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛ (۲۲) «و اگر پروردگار تو می خواست تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی [به اجبار] ایمان می آوردند. آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند [ایمان اجباری چه سودی دارد؟]»

« إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ؛ (۲۳) «اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردن هایشان در برابر آن ها خاضع گردد.»

« ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ (۲۴) «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما، و با آن ها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.»

با وجود این آیات می توان آیات مطلق را تقیید زده و مختص به صورت دفاع دانست. مواردی که کفار و اهل کتاب درصدد عناد با مسلمانان برآمده و با جنگ و خونریزی یا جلوگیری از گسترش اسلام درصدد مبارزه و مانع رشد اسلام برآیند.

### بررسی نظریه نسخ در آیات جهاد

برخی از مفسرین معتقدند که آیات جهاد گرچه به صورت مشروط آمده و مقتید به صورت جنگ و مقابله با گسترش نفوذ و اسلام است ولی

این، مربوط به اوائل ظهور اسلام است، اما در اواخر بعثت که اسلام قدرتمند شد این آیات مشروط نسخ شده و با یک مهلت موقت حکم جنگ به طور عموم با آنان صادر شده است. این آیات که در سال نهم هجری آمده تمام دستورات گذشته را یک جا نسخ کرده است!!

ولی این احتمال صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً: نسخ در جایی است که یک حکمی آمده و با حکم جدید که معارض قطعی و مستقر است نفی می شود. ولی اگر یکی از آن دو قابل جمع با دیگری است مورد برای نسخ باقی نمی ماند. و در اینجا می توان آیات مقید را مقدم داشت.

در مورد آیات سوره براءت نمی توان ادعا کرد آیاتی را که در آن سوره در مورد جهاد و قتال با مشرکین است لغو کننده و ناسخ آیاتی است که قبلاً آمده و جهاد را مشروط کرده است؛ زیرا وقتی آیات سوره براءت همه را با هم ملاحظه می کنیم به این نتیجه می رسیم که با مشرکانی باید جنگید که به هیچ اصل و اصول انسانی وفادار نبوده و یا پیمان هایی که با آنان بسته می شود نقض می کنند.

خداوند متعال می فرماید: « كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ »؛ (۲۵) «چگونه [پیمان مشرکان ارزش دارد] در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می کنند و نه پیمان را؟ شما را با زبان خود خشنود می کنند ولی دل هایشان ابا دارد.»

ثانیاً: گرچه گفته شده که هیچ عامی نیست جز آن که تخصیص خورده است ولی همین قاعده نیز به حکم مفاد خودش تخصیص خورده و برخی از موارد ابا



از تخصیص دارد. مثلاً قانون عدم ظلم از جانب خداوند تخصیص بردار نیست. قانون عدم تجاوز به یکدیگر تخصیص بردار نیست.

خداوند متعال می فرماید: « وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ »؛ (۲۶) «و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد.» این مسأله یکی از مواردی است که تخصیص بردار نیست.

ثالثاً: مورد نسخ در جایی است که ثابت شود دلیل ناسخ متأخر از دلیل منسوخ آمده است، در حالی که مشخص نیست دلیل مطلق در آیات جهاد بعد از ادله مقیدات آمده تا ناسخ آن ها باشد.

### فرق بین اسلام و مسیحیت

برخی می گویند: مسیحیت این افتخار را دارد که هیچ اسمی از جنگ در آن نیست ولی ما می گوییم: اسلام این افتخار را دارد که قانون جهاد دارد.

مسیحیت که جهاد ندارد چون طرحی جامع برای جامعه و قانونی برای تشکیلات اجتماعی ندارد تا قانون جهاد داشته باشد. مسیحیت تنها یک سلسله نصیحت است. اسلام دینی است که وظیفه و تعهد خودش را این می داند که جامعه و حکومت تشکیل بدهد. رسالتش اصلاح جهان است. چنین دینی نمی تواند بی تفاوت باشد. نمی تواند جهاد نداشته باشد، همچنان که دولت نمی تواند ارتش نداشته باشد.

وانگهی با مراجعه به تورات و انجیل پی می بریم که در آیاتی چند به جنگ و جهاد اشاره شده است. اینک به نمونه هایی در این باره اشاره می کنیم:

(۱) در انجیل «متی» آمده است: «گمان نکنید که من آمده ام تا صلح را بر روی زمین بیاورم، بلکه شمشیر آورده ام.» (۲۷)

(۲) در تورات آمده است: «چون به شهری نزدیک می شوی تا با اهل آن بجنگی

ابتدا آنان را به صلح دعوت کن. اگر دعوت تو را به صلح پذیرفتند و آن شهر را در اختیار گذاردند، تمام مردم آن مسخر برای توست و همه برده تو می شوند. و اگر با تو صلح نکردند بلکه از راه جنگ وارد شدند، آنان را محاصره کن، و چون پروردگارت تو را یاری کرد و بر آن ها دست یافتی تمام مردانشان را از دم شمشیر بگذران و تمام زنان و اطفال و چارپایان و هر آنچه در شهر است، غنیمت برای توست و می توانی از آن ها که پروردگارت به تو عطا کرده استفاده کنی و این چنین انجام می دهی با شهرهای دور افتاده که از شهرهایی نیستند که اَمیت تو در آن قرار دارند. و امّا آن شهرهایی را که پروردگارت برای تو نصیبی در آن ها قرار داده هیچ انسانی را در آن ها باقی مگذار.» (۲۸)

## فلسفه جزیه

در آیات قرآن برای پذیرش صلح با اهل کتاب سخن از گرفتن جزیه از آنان به میان آمده است.

خداوند متعال می فرماید: « قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ »؛ (۲۹) «با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند.»

جزیه چیست؟ آیا جزیه باج دادن و باج گرفتن است؟

جزیه از ماده جزا است، و جزا در لغت عرب، هم در مورد پاداش به کار برده می شود و هم در مورد کیفر. برخی گفته اند: «جزیه» لغت معرّب است

نه عربی، معرّب «گزیه» است، و گزیه لغتی است فارسی، و همان مالیات سرانه ای بوده که برای اولین بار انوشیروان در ایران وضع کرد. وقتی که این لغت در میان اعراب آمد طبق قاعده معمول گاف تبدیل به جیم شد و آنان به جای گزیه گفتند «جزیه». پس جزیه مفهومی مالیات است و بدیهی است که مالیات گرفتن غیر از باج گرفتن است. خود مسلمین نیز باید مالیات پردازند. چیزی که هست شکل مالیات اهل کتاب با مالیاتی که مسلمین می پردازند فرق می کند گرچه الآن چون از همه مالیات می گیرند، از اهل کتاب جزیه نمی گیرند.

اگر اسلام از اهل کتاب جزیه می گیرد در مقابل آن، تعهدی به آن ها می دهد که مال و جان و ناموس آن ها محفوظ گردد. و اما این که جزیه و مالیاتی خاص از آن ها گرفته می شود که غیر از مالیات عمومی اسلامی است به جهت این است که آنان نه موظفند که مالیات های اسلامی را پردازند و نه موظفند که در جهادها شرکت کنند، با این که منفعت جهاد عاید حال آنان نیز می شود. پس اهل کتاب به جای زکات و خمس، باید جزیه بدهند.

### **جزیه و خشونت!!**

برخی می گویند: اقلیت های دینی باید حقوق یکسان و برابر با شهروندان یک دولت داشته باشند و از آنجا که جزیه نوعی تبعیض محسوب می شود لذا این حکم قابل خدشه است.

در پاسخ به این اعتراض می گوئیم:

یکی از امتیازات اسلام، اعمال تساهل و تسامح نسبت به اهل کتاب است، در صورتی که حالت جنگ با مسلمانان را نداشته باشند. اسلام با قراردادی که با آنان منعقد می کند حمایت از جان و مال آنان را بر عهده می گیرد. تاریخ صدر اسلام از

این نمونه ها زیاد سراغ دارد.

در مقابل چنین برخورد از طرف دولت اسلامی، وظیفه ای نیز بر دوش اهل کتاب نهفته شده است. و به تعبیری دیگر نوعی تعهد متقابل بین مسلمانان و اهل کتاب می باشد. از طرفی دیگر هزینه های مالی دولت اسلامی توسط خود مردم تأمین می گردد. این موضوع به طور بسیار آشکار در همان اوائل صدر اسلام نمود داشت. اهل کتاب که از منافع زندگی کردن در زیر چتر حمایتی دولت اسلامی استفاده می کردند وظیفه داشتند نوعی مالیات هم بدهند. چنین رابطه متقابلی را نمی توان با عناوینی؛ همچون رفتار غیرانسانی، تحقیرکننده، خشن و تبعیض آمیز تعبیر کرد.

همان طور که اهل کتاب جزیه پرداخت می کردند، خود مسلمانان نیز خمس و زکات به دولت اسلامی پرداخت می نمودند و هزینه های دولت اسلامی را تأمین می کردند. به همین دلیل است که فقهای اسلامی فرموده اند که جزیه اندازه ثابتی ندارد و هر سال بر اساس مصالح و توافق طرفین، مبلغ آن تعیین می شود.

### نحوه گرفتن جزیه

برخی می گویند: نحوه گرفتن «جزیه» تحقیرآمیز است؛ زیرا قرآن کریم می فرماید: «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»؛ (۳۰) «تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود پردازند.»

در ارتباط با معنای این آیه بحث های متعددی صورت پذیرفته که مهم ترین آن ها مربوط به معنای لغوی کلمه «ید» و «صاغرون» است.

علامه طباطبایی رحمه الله در این رابطه می فرماید: «صاغر از اسمای متضادی است که ممکن است به یک چیز ولکن به دو اعتبار اطلاق شود؛ زیرا ممکن است یک چیزی نسبت به امری کوچک باشد و نسبت به امر دیگر بزرگ. این کلمه اگر به کسر صاد و فتح غین خوانده شود به معنای کوچک و صغیر

است و اگر به فتح صاد و غین خوانده شود به معنای ذلت خواهد بود. و کلمه «صاغر» به کسی اطلاق می شود که تن به پستی داده باشد. و قرآن آن را درباره آن دسته از اهل کتاب که راضی به دادن جزیه شده اند استعمال کرده و می گوید: «حتی یعطوا...» منظور از ذلت ایشان قبول و تن دادن در برابر سنت اسلامی و تسلیم آن ها در برابر حکومت عادلانه جامعه اسلامی است... پس آیه شریفه ظهور دارد در این که منظور از صغار این معنای مذکور است، نه این که مسلمین و یا زمامداران اسلام به آنان توهین و بی احترامی نموده و یا آن ها را مسخره کنند؛ زیرا این معنا با وقار اسلامی سازگاری ندارد، هر چند برخی از مفسرین، آیه را طور دیگری معنا کرده اند». (۳۱)

کلمه «ید» در آیه فوق نیز به دو معنا استعمال شده است:

۱ - به معنای «دست آدمی» آمده است. به این معنا «تا آن که جزیه را به دست خود بدهند».

۲ - به معنای «قدرت و نعمت»، به این معنا، «تا آن که جزیه را از ترس قدرت شما اعطا کنند».

با توجه به توضیحاتی که داده شد به نظر می رسد که مسأله جزیه نوعی مالیات دادن به دولت اسلامی است نه امر دیگر.

## اسلام و بردگی

از جمله اشکالاتی که از ناحیه مسیحیان و مخالفان اسلام بر ضد اسلام و مسلمین مطرح است این که: اسلام به قانون بردگی و استعمار انسان اعتراف کرده و بر آن مهر صحت گذاشت، امری که با روح عدالت انسانی سازگاری ندارد. آنان می گویند: این مسأله حتی با ظاهر آیات قرآن و روایات اسلامی نیز منافات دارد.

۱ - خداوند متعال می فرماید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ »؛ (۳۲) «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [این ها ملاک امتیاز نیست گرامی ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.]»

۲ - و نیز می فرماید: « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ »؛ (۳۳) «و ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم.»

۳ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «البشر کلهم سواسیه»؛ «افراد بشر همگی با هم مساوی اند.»

۴ - و نیز می فرماید: «لافضل لعربی علی عجمی و لا- لعجمی علی عربی و لا- ایض علی اسود و لا- أسود علی ایض»؛ (۳۴) «هرگز برتری برای عرب بر عجم، و عجم بر عرب و سفید بر سیاه و سیاه بر سفید نیست.»

چرا با این حال اسلام رقیبت و بردگی را امضاء کرده و به رسمیت شناخته است؟

پاسخ اول اسلام آن گونه که ملت های متمدن زمان های پیشین قانون بردگی را به طور مطلق قبول داشته اند، هرگز امضا نکرده و مهر صحت بر آن نزده است.

الف) اعتقاد فلسفی رومیان قدیم بر این بود که عنصر سفید از حیث جنس و خون و خلقت، با عنصر سیاه فرق می کند. انسان سیاه پوست به جهت خدمت انسان سفیدپوست خلق شده است.

ب) در آیین هندو اعتقاد به چهار مرتبه و طبقه برای انسان ها وجود دارد:

۱ - طبقه روحانیون.

۲ - طبقه امرا و وزرا و حاکمان.

۳ - طبقه تجار.

۴ - طبقه نجس ها.

آنان معتقدند که طبقه نجس ها، حق معاشرت با سه طبقه دیگر را ندارد؛ زیرا آنان را برای شغل های پست؛ همچون نجاست کشی خلق شده اند. آنان کسانی هستند که دارای ارواح

خیبته بوده و در بدن جدید وارد شده اند.

ج) «ژول رومن»، عضو فرهنگستان فرانسه می گوید: «ما از این خوف داریم که جنس سیاه، امور مملکت را در زندگانی بشر به دست گیرد؛ زیرا در میان این افراد امثال انیشتین وجود ندارد...».

اسلام به شدت با این افکار که جنس بشر سیاه پوست را پست می شمارد، مبارزه کرده است، و کرامت انسان را تنها در گروهی تقوا می داند، آن گونه که به آیات و روایات آن اشاره شد.

پاسخ دوم اسلام گرچه به قانون بردگی اعتراف کرده و آن را تصدیق نموده است، ولی در حقیقت، حکمت و مصلحت آن به خود بردگان برمی گردد.

اسلام برده داری را تنها در اسیران جنگی از کفار اجازه داده است. و بعد از آن که آنان را اسیر نمودند سه فرضیه نسبت به آنان متصور است:

۱- این که آنان را رها کرده تا به قوم و دسته خود برگردند، و از نو برنامه چینی کرده و با اسلام به مخالفت برخیزند که این فرضیه خلاف منطق عقل و شرع است.

۲- فرضیه دیگر این است که تمام اسرا به قتل برسند تا بشر از شرّ وجودشان در امان باشند. و این فرضیه نیز بر خلاف منطق عقل و انصاف است؛ زیرا راه حلّ سومی نیز وجود دارد.

۳- این که آنان را به اسارت نگه داشته و داخل خانه های مسلمانان برده تا تحت تربیت آنان قرار گیرند، با مقرّراتی که اسلام برای نگهداری آن ها داشته و مورد تجاوز و تعدّی قرار نگیرند تا شاید به حقّ و حقیقت و اسلام متمایل گردند. این طریق و فرضیه به واقع نزدیک و مطابق عقل سلیم است.

نتیجه این که: هدف اساسی از

بردگی و برده داری در اسلام، باز نمودن مدرسه تربیتی است.

پاسخ سوم مسأله کنیز و برده داری تا زمان صدر اسلام یک فرهنگ بوده، و لذا با سنت ها و فرهنگ های جامعه نمی شود یک مرتبه مقابله کرد.

از طرفی دیگر، شرایط زندگی و معیشت بسیار سخت و دشوار بود و انسان ها به تنهایی نمی توانستند تدارک زندگی روزمره خود را داشته باشند بلکه احتیاج به افرادی بود تا دائماً در خانه و کاشانه انسان باشند و در امور روزمره زندگی به انسان کمک کنند. و لذا افرادی که از امکانات مادی برخوردار بودند برای گذران زندگی خود از برده و کنیز استفاده می کردند. و این امری نبود که در آن عصر و زمان نقص شمرده شده و مورد انتقاد قرار گرفته باشد، ولی در این عصر و زمان که شرایط زندگی با زمان های گذشته بسیار فرق کرده است، دیگر موضوع برده داری و استفاده از آن در زندگی روزمره خود به خود از بین رفته است.

پاسخ چهارم اسلام گرچه برده داری را در عصر خود تا حدودی امضا کرده است، ولی برای بردگان حقوق خاصی برگردن موالی و جامعه و حتی دولت اسلامی قرار داده است. کسی نمی تواند بیش از حدّ معین از برده خود، کار بکشد. کسی نمی تواند از برده زمین گیر و جزامی و کور خود کار بکشد. اگر کسی به برده خود جنایت فجیعی وارد کرد دیگر نمی تواند از او بهره ببرد.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نهایت احترام را در حقّ برده ها داشته و برای آنان حقوق خاصی قرار داده بودند. امام رضا علیه السلام با بردگان خود بر سر یک سفره غذا می خورد. (۳۵) حضرت علی علیه السلام روزی به قنبر،



غلام خود دستور داد تا دو لباس یکی به قیمت یک درهم و دیگری به قیمت دو درهم بخرد. قنبر که لباس ها را خرید و به حضرت داد، امام لباس دو درهمی را به قنبر داد و لباس یک درهمی را برای خود برداشت. وقتی قنبر از علت این کار سؤال کرد، حضرت فرمود: من سنی را گذرانده ام و همین لباس برای من کافی است، ولی تو جوانی و احتیاج به لباس بهتر داری.

در حدیثی از امام رضا علیه السلام وارد شده که فرمود: «من اعتق مملوکاً لا حيلة له فإِنَّ عليه أن يعوله حتى يستغني عنه، وكذلك كان امير المؤمنين عليه السلام يفعل اذا عتق الصغار و من لا حيلة له»؛ (۳۶) «هرگاه کسی بنده ای را آزاد کرد که چاره ای ندارد، بر اوست که آن برده آزاد شده را تکفل کند تا به حدّ بی نیازی از او برسد. و امیرالمؤمنین علیه السلام چنین می نمود هرگاه برده های کوچک و کسانی که بی چاره بودند را آزاد می کرد».

امام رضا از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ما زال جبرئیل یوصینی بالممالیک حتی ظننت أنه سيجعل لهم وقتاً، إذا بلغوا ذلك إلى الوقت اعتقوا»؛ (۳۷) «دائماً جبرئیل مرا به بردگان سفارش می کرد تا این که گمان کردم که زود است که برای آنان وقتی قرار دهد که هرگاه آنان به آن وقت رسیدند خود به خود آزاد گردند».

و نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که درباره بردگان فرمود: «اطعموهم ممّا تأکلون والبسوهم ممّا تلبسون»؛ (۳۸) «از همان چیزی که می خورید به بردگان خود بخورانید و از آنچه که می پوشید به بردگانتان بپوشانید».

پاسخ پنجم گرچه اسلام، اصل رقیّت و برده گیری

و برده داری را با شرایط و خصوصیات آن امضا کرده است، ولی بعد از رسیدن به اهداف خود، هرگز رضایت به نگهداری دائمی آنان در زیر سلطه بندگی نداده است، و به همین جهت است که وسایل آزادی آنان را به هر نحو ممکن و به وسایل گوناگون فراهم ساخته است که برخی از آن ها قهری است و برخی اختیاری؛ برخی به اختیار موالی و صاحبان بردگان است و برخی نیز در اختیار بردگان.

فقه‌های اسلامی در کتاب های فقهی خود به تبع آیات و روایات، بابی را تحت عنوان «کتاب العتق» باز کرده و احکام آن را به طور مفصل آورده اند، در حالی که برای رقیت و برده گیری کتاب مستقلی را نیاورده اند. اینک به برخی از قوانینی که اسلام برای آزادی بردگان جعل کرده، اشاره می کنیم:

الف) قانون عتق به عنوان صدقه طبق این قانون، آزادی بنده در راه خدا عنوان صدقه بر خود گرفته و بر آن ثواب متفرع شده است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «من اعتق رقبة مؤمنة کانت فداءه من النار»؛ (۳۹) «هر کس برده مؤمنی را آزاد کند این عملش باعث آزادی او از آتش جهنم خواهد شد.»

ب) قانون عتق به عنوان کفاره طبق این قانون، خداوند متعال کسانی را که با برخی از تکالیف او مخالفت عملی کرده اند، مجازات دنیوی آن را آزاد کردن بنده به نحو تعیین یا تخییر قرار داده است امثال:

۱ - کفارهظهار: کسی که با گفتن این که «پشت همسرش برای او همانند پشت مادرش باشد»، نزدیکی با همسرش را برای خود حرام کرده است. و اگر بخواهد به او بازگردد باید بنده آزاد کند.

۲ - کفاره ایلا:

کسی که قسم بر نزدیکی نکردن با همسرش خورده، در صورت بازگشت به او، کفاره اش آزاد کردن بنده است.

۳ - کفاره افطار: کسی که روزه ماه رمضان را عمدتاً افطار کرده، یکی از انواع کفاره اش بنده آزاد کردن است.

۴ - کفاره خلف نذر: کسی که با نذر خود مخالفت کرده، وظیفه دارد که بنده ای را آزاد کند.

۵ - کفاره خلف قسم.

۶ - کفاره خلف عهد.

۷ - کفاره جزع و فزع حرام در مصیبتی که بر انسان وارد شده است.

۸ - کفاره کشتن انسان بی گناه.

در تمام این موارد، انسان با یک بنده آزاد کردن که وظیفه او است از وزر و گناهی که به جهت مخالفت با دستور الهی انجام داده پاک می گردد.

ج) قانون عتق بعد از خدمت مطابق این قانون اگر بنده مؤمنی هفت سال به مولای خود خدمت کند، آزاد خواهد شد.

د) قانون عتق با بیماری خاص طبق این قانون - که از اسباب آزادی قهری است - اگر بنده به امراضی از قبیل زمین گیر شدن و جزام و کوری مبتلا شود خود به خود آزاد می شود.

ه) قانون تدبیر

مطابق این قانون اگر کسی به برده خود بگوید: تو بعد از وفات من آزاد خواهی بود، بعد از وفات مولایش این بنده آزاد است و به ملک ورثه داخل نمی شود.

و) قانون کتابت طبق این قانون اگر بنده با مولایش قرارداد ببندد که اگر فلان مبلغ را برای او حاضر کند آزاد شود، مولا باید به این عهد خود وفا کند.

ز) قانون سرایت مطابق این قانون اگر چند نفر در یک برده با هم شریک باشند و یکی از شریکان سهم خود را از این برده

آزاد کند، سهم های دیگر نیز آزاد خواهد شد. و این آزادی از اسباب قهری است.

ح) قانون تملک یکی از پدر و مادر

طبق این قانون اگر مردی یکی از پدر و مادر، یا فردی از محارم خود از زنان را مالک گردد، بالفور آزاد خواهند شد.

ط) قانون تنکیل مطابق این قانون اگر کسی جنایت فجیعی نسبت به برده خود انجام دهد؛ مثل این که بینی، زبان، دو گوش یا دو لب او را ببرد، این بنده خود به خود آزاد می گردد.

پاسخ ششم کسانی از غربی ها یا غرب زده ها که امروزه در مورد برده داری قدیم ایراد می گیرند، چشم خود را بر نوع نوین و جدید برده داری بسته اند که چگونه در سطح گسترده و جهانی برخی از کشورهای استعماری و سلطه گر، ملت ها و کشورهای دیگر را زیر سلطه اقتصادی و نظامی و فرهنگی خود قرار داده اند، و هر ملت و دولتی که قصد استقلال و روی پای خود ایستادن و آزادی را داشته باشد، از هر طرف او را محاصره کرده و در آخر او را نابود می کنند. این برده داری نوین است که غرب زدگان جامعه، چشم خود را بر آن بسته و از آن دم نمی زنند. آیا اشغال یک کشور و به غارت بردن منافع آن و به زیر یوغ اسارت اقتصادی و فرهنگی بردن افراد آن، نمونه برده داری نوین نیست؟

کمونیسم نیز نوعی دیگر از برده داری است که در برخی جوامع و کشورها نفوذ کرده و هنوز پا برجاست. چرا ما به زوایای آن توجه نمی کنیم. این که اکنون در کشورهای مختلف خصوصاً غرب از زن به عنوان یک کالا در امور مختلف استفاده می شود و او را از کرامت واقعی اش

پایین آورده است، آیا این یک نوع برده داری نوین نیست؟

## فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای ۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۶ صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری / الهی قمشه ای ۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدس جمکران ۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای ۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۲۰۱) / شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی ۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی ۱۵ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات ۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۰ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۲۲ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۴ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری ۲۶ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۲۷

با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۲۹ بهتر از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی ۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهااردی ۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایى حائری ۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد شیخ عباس صفایى حائری ۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات ۳۵ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایى حائری ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۳۷ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۳۹ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهااردی ۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۲ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قرلقاشی ۵۲ دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا

۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی ۵۴ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۵۵ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی ۵۶ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات ۵۷ سحاب رحمت عباس

اسماعیلی یزدی ۵۸ سرود سرخ انار الهه بهشتی ۵۹ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۶۰ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۶۳ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه) محمد حسین نائیجی ۶۵ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح ۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی ۶۷ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۹ عطر سیب حامد حجتی ۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۷۴ غدیرخیم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۷۵ فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی ۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی ۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری ۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۴ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان ۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۸۷ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی ۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۸۹

مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله ۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی ۹۲ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر

۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۶ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری ۹۷ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۹۸ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای ۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی ۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات ۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۰۴ نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده ۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۱۰۹ نهج البلاغه / (وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۱۱۰ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری ۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۱۴ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۱۶ همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی / بیژن کرمی ۱۱۷ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)



محمد حجّتی ۱۱۹ ینابیع الحکمّه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱ - ۶۲۸۰۶۷۱-۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدونکار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

### پی نوشتها

(۱) سوره توبه، آیه ۵.

(۲) سوره توبه، آیه ۲۹.

(۳) کنز العمال، ح ۳۹۳۱.

(۴) سوره بقره، آیه ۱۹۰.

(۵) سوره حج، آیه ۴۱.

(۶) المیزان، ج ۲، ص ۲۸۸.

(۷) اقتصادنا، ص ۳۱۴.

(۸) کافی، ج ۵، ص ۲۸، ح ۴.

(۹) سوره توبه، آیه ۲۹.

(۱۰) سوره توبه، آیه ۷۳.

(۱۱) سوره انفال، آیه ۳۹.

- (۱۲) سوره نساء، آیه ۷۵.
- (۱۳) سوره حج، آیات ۳۹ و ۴۰.
- (۱۴) سوره بقره، آیه ۱۹۰.
- (۱۵) سوره توبه، آیه ۳۶.
- (۱۶) سوره نساء، آیه ۱۲۸.
- (۱۷) سوره بقره، آیه ۲۰۸.
- (۱۸) سوره نساء، آیه ۹۰.
- (۱۹) سوره انفال، آیه ۶۱.
- (۲۰) سوره بقره، آیه ۲۵۶.
- (۲۱) سوره کهف، آیه ۲۹.
- (۲۲) سوره یونس، آیه ۹۹.
- (۲۳) سوره شعراء، آیات ۳ و ۴.
- (۲۴) سوره نحل، آیه ۱۲۵.
- (۲۵) سوره توبه، آیه ۸.
- (۲۶) سوره بقره، آیه ۱۹۰.
- (۲۷) انجیل متی، اصحاب ۲۰، رقم ۳۴.
- (۲۸) سفر تثئیه، اصحاب ۱۳، رقم ۱۵.
- (۲۹) سوره توبه، آیه ۲۹.
- (۳۰) سوره توبه، آیه ۲۹.
- (۳۱) المیزان، ج ۹، ص ۳۲۲.

(٣٢) سورة حجرات، آيه ٣.

(٣٣) سورة اسراء، آيه ٧٠.

(٣٤) معدن الجواهر، كراجكى، ص ٢١.

(٣٥) الانوار البهيه، شيخ عباس قمى، ص ١٧٩ - ١٨٠.

(٣٦) وسائل الشيعه، ج ٢٣، ص ٣٠.

(٣٧) وسائل الشيعه، ج ٢٣، حديث ٢.

(٣٨) همان، ج ٣.

(٣٩) مستدرک، ج ٩، ص ٢٧٨، باب مايجب على المحرم اذا اضطر.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

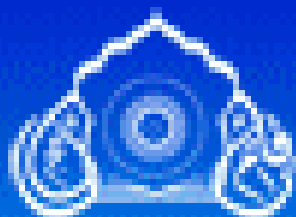
ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

